



فرجام نگری یکی از مسائلی است که از دیرباز در میان جوامع بشری مطرح بوده و پیشینه‌ای به وسعت تاریخ بشر دارد. انسانهای نخستین و بدوی تا انسانهای کنونی در قرن حاضر، همگی در نگاه به آینده خویش و داشتن دغدغه نسبت به آن اتفاق نظر دارند؛ اما در این میان، اختلافاتی نیز در نوع نگرش و باورها مطرح بوده که باعث دیدگاه‌های متضاد درباره آینده بشر شده است که از این رهگذر، برخی نگاهی خوش بینانه داشته و عده‌ای نیز آینده تاریک و غبارآلودی را برای بشر در نظر گرفته‌اند.

بی تردید در نگاه اولیّه، قرائن و شواهد گواهی می‌دهند که دنیا به سوی فاجعه پیش می‌رود، و دیدگاه کسانی درست است که برای بشر آینده‌ای تاریک پیش بینی کرده‌اند. ترک عواطف، افزایش فاصله طبقاتی، ظهور اختلافات دولتها و ملتها، بروز ناهنجاریها و نابسامانیهای اخلاقی و اجتماعی، ازدیاد ظلم و ستم، شیوع تبعیض و نابرابری، و مانند آن شواهدی برای این دیدگاه است. آگاهان سیاسی می‌گویند: تنها بمبهای هسته‌ای موجود در زرادخانه‌های

بعضی از کشورها، برای نابود ساختن تمام شهرهای کره زمین، نه یک بار بلکه هفت بار کافی است. این سلاحها با آن هزینه سنگین، بی جهت ساخته نشده، بلکه برای مصرف، در یک جنگ اتمی وحشتناک فراهم گردیده است و در جهانی که این همه برخورد مرزی و تراحم منافع و مناطق قابل انفجار وجود دارد، پیدا کردن بهانه برای شروع آن، کار مشکلی نیست. از طرف دیگر، در میان سران خودکامه برخی کشورها، حیث جاه طلبی و جنون قدرت نیز به اندازه کافی برای شروع چنین جنگی وجود دارد.

بنابراین در نگاه ابتدائی حق با کسانی است که آینده را تیره و تار می بینند و می گویند: جهان در آینده نزدیک با یک تنازع کلی و با یک جنگ فراگیر، به دیار نیستی گام می نهد و نظام زندگی و سایر موجودات زمینی، برای همیشه فرو می ریزد.

اما کسانی که آینده جهان را روشن ارزیابی می کنند، با استناد به براهین عقلی و نقلی به انسانهای خسته و ملول از فرهنگها و مکاتب پوچ گرا، نشاط و

حیات دوباره را نوید می دهند. در راستای این دیدگاه که آینده را مثبت ارزیابی می کند و آن را روشن می بیند، به بیان چند دلیل می پردازیم:

### ۱. برهان فطری

فطرت انسان بر محور عدالت خواهی و ظلم ستیزی استوار است و بشر ذاتاً از ظلم متنفر بوده و ستم را زشت می شمارد. این تنفر و بیزاری، اختصاص به فرد یا جمعیتی ندارد و به سرزمین و قلمرو خاصی محدود نیست. همه افراد بشر در هر تیره و رنگی و در هر سن و سالی که باشند، به ندای فطرت خود پاسخ می دهند و بی عدالتی را به هر شکل آن، بر نمی تابند.

انسان بخاطر همین ویژگی فطری، همواره برای رهایی از ظلم و ستم تلاش کرده و در ناهودی آن می کوشد تا به نتیجه برسد. از سوی دیگر، گرایش فطری در وجود انسان یک گرایش واقعی است که اگر موارد آن در خارج به وقوع نرسد، اصل این گرایش، لغو و بیهوده خواهد بود، و این با اصل حکیمانه بودن کارهای خدا

تعقل و شعور پا می‌نهد که اساساً این دوره‌ها از یکدیگر متفاوت هستند، اجتماع انسانی نیز خواه ناخواه برای رسیدن به کمال باید این سه دوره را طی کند.

آری بشر یک روز کودک بود، و زندگی‌اش در پرتو حاکمیت غرایز اداره می‌شد، سپس به تدریج به دورهٔ احساس رسید؛ شرارتها، آدم کشیها، و زد و خوردهای فراوان، محصول این دوره است؛ ولی انسان، کم‌کم به دورهٔ عقل و زندگی عقلانی نیز می‌رسد، و همین زندگی عقلانی، مرحله کمال انسانیت است. البته جامعهٔ انسانی هنوز تا رسیدن به دورهٔ تکامل عقلی و زندگی عقلانی همراه با پیاده شدن فرهنگ دینی، فاصلهٔ زیادی دارد. امروز بشریت در جهت ابزار و تکنولوژی به پله‌های کمال پا نهاده است، اما با رشد عقلانیت دینی، اخلاقی و بهره‌وری درست از ابزار، بیگانه است؛ زیرا تردیدی نیست که در کنار این همه تکامل عقل ابزاری و

منافات دارد؛ پس باید روزی برسد که این گرایش درونی انسان به منصفهٔ ظهور برسد تا بشر به این میل باطنی نایل آید.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، در دوران ظهور و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام، بشر به این خواستهٔ فطری و گرایش درونی خود می‌رسد و عدالت پایدار توسط امام زمان علیه السلام در سراسر گیتی استقرار می‌یابد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ این رخداد مهم می‌فرماید: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَيُخَلِّقُهُ خُلُقِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِنطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۱</sup> مردی از اهل بیت من که هم نام و هم خلق من است قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌سازد چنانکه از ظلم و ستم پُر شده باشد.

## ۲. اصل تکامل

هر موجودی برای رسیدن به کمال و ترقی تلاش و کوشش می‌کند و نوع انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست. و چنانچه فرد برای رسیدن به کمال، مراحل نظیر غرایز و احساسات را طی کرده و به مرحلهٔ

۱. منتخب الاثر، ص ۱۷۹.

شرایط مناسبی قرار می‌گیرد، شروع به رشد و نمو کرده و به شاهره تحول می‌افتد و هر لحظه صورت و حالت تازه‌ای به خود گرفته، با نظم و ترتیب مشخصی راهی را می‌پیماید تا بویه‌ای کامل شود.

اگر هسته میوه‌ای در مهد زمین قرار گیرد، سیر مشخصی را می‌پیماید تا به صورت درختی برومند درآید.

اگر نطفه حیوانی در رحم مادر قرار داده شود، با الگوی از پیش تعیین شده‌ای که در ذات آن قرار دارد، رشد کرده و به فردی کامل از آن حیوان تبدیل می‌شود. این راه مشخص و سیر منظم در هر یک از انواع آفرینش که در این جهان مشهورند برقرار و حاکم است.

بدیهی است که نوع انسان نیز در این نظام تکاملی که بر هستی حکمفرماست، قرار دارد و نمی‌تواند خود را از آن قاعده مستثنی کند؛ البته این هدایت در وجود انسان به دلیل وجود برخی ویژگیها متفاوت است. انسان با دارا بودن عقل و خرد، علاوه بر هدایت تکوینی، از هدایت فطری و

علوم تجربی نابسامانی و ناهنجاری نیز رشد فزاینده‌ای داشته و انسان به رفاه و آسایش رسیده، هنوز در چالشهای اجتماعی و تنازعات و تضادهای زندگی، هر روز بیش از پیش تلخ‌کامی را تجربه می‌کند.

البته با وجود همه چالشها و ناهنجاریها، نباید ناامید شد؛ زیرا سیر حرکت بشر سیر متریقی و به سوی کمال است و نغمه‌های دل‌نوازی که حاکی از رویکرد روح جمعی بشر به سوی ترقی است، آینده روشن و نوید بخشی را فراسوی انسان ترسیم می‌کند، نغمه‌های تازه و امید بخشی نظیر طرح موضوع «خلع سلاحهای کشتار جمعی» و «همکاریهای بین‌المللی» و «مسئله حقوق بشر» و نظایر اینها، همه می‌تواند امیدوار کننده باشد و به عنوان نمودارهایی از رشد و بلوغ عقلی بشر هر چند در افق محدود قلمداد گردد. گرچه سردمداران استکبار از این شعارها به عنوان ابزاری برای رسیدن به مقاصد خود بهره می‌برند.

### ۳. هدایت عمومی

دانه گندمی که در دل خاک با

ایسن گرایش و میل باطنی، هدایت فطری می‌گویند.

چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَطَرَهُ اللهُ الَّذِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾؛<sup>۱</sup>

«فطرت الهی که مردم را بر آن خلق کرد.»

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْنَاهَا فَأَلْهَمْنَاهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾؛<sup>۲</sup> «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد.»

ج. هدایت تشریحی

در راستای هدایت تکوینی و فطری، خداوند متعال، رهبران و انبیای بزرگ خویش را با پیام و تعالیم روشن، برای سعادت و رستگاری بشر، مبعوث کرد تا انسانها را به سوی هدف و رسیدن به کمال مطلوب راهنمایی کنند. این نوع هدایت را، هدایت تشریحی می‌نامند.

چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

تشریحی نیز بهره‌مند است.<sup>۱</sup>

بارویکرد کلی به مفهوم هدایت در مورد انسان، هدایت را به سه گونه می‌بینیم:

الف. هدایت تکوینی

از آنجا که خداوند انسان را برای هدف خاصی آفریده، مقدمات وصول به این هدف را در وجودش قرار داده و نیروهای لازم را به او بخشیده است که این همان هدایت تکوینی است، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾؛<sup>۲</sup>

«خدایی که به هر چیزی، آفرینش ویژه‌اش را داده، سپس هدایت کرد.»

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّىٰ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾؛<sup>۳</sup>

«همان که آفرید و هماهنگی بخشید و آنکه اندازه‌گیری کرد و راه نمود.»

ب. هدایت فطری

نیرو و گرایش دیگری در وجود بشر قرار داده شده تا عشق و علاقه او به سوی هدف بیشتر شود و انسان را در راه رسیدن به تکامل مدد رساند، به

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، شیععه در

اسلام، ص ۱۳۴.

۲. طه/۵۰.

۳. اعلیٰ/۲ و ۳.

۴. تغابن/۱۱.

۵. شمس/۷ و ۸.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ»<sup>۱</sup>؛ «به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان را فرود آوردیم.»

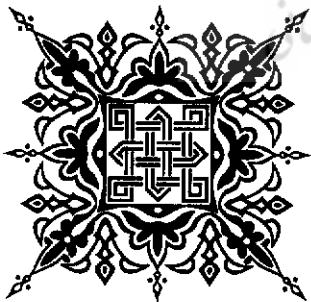
آری انسان علاوه بر بهره‌مندی از هدایت تکوینی که همه موجودات به نحوی از آن برخوردارند، دارای هدایت فطری و تشریحی است، و وجود این نوع هدایت، که در قالب گرایش و کشش درونی و نیز در قالب تلاش و کوشش انبیاء الهی تبلور یافته است، بدون ثمره و نتیجه نخواهد ماند. قطعاً روزی خواهد آمد که فطرت

هدایت طلب و هدایت خواه انسان به آرزوی دیرینه خود رسیده و تلاش و کوشش انبیاء علیهم‌السلام و اولیای الهی به بار بنشیند. آن روز همان روز موعود است که موعود جهانیان، حضرت مهدی علیه‌السلام، پاسخ‌گوی گرایشهای اصیل بشر، و نتیجه بخش زحمات و تلاشهای رسولان الهی خواهد آمد تا انسانها از نعمت هدایت عمومی بهره‌مند شوند.

به سر آید و گرایش و میل راستین فطری بشر بدون پاسخ گذاشته شود و نیز زحمات طاقت فرسای پیامبران علیهم‌السلام بدون نتیجه بماند، بیهوده و لغو بودن گرایشهای فطری بشر را در پی خواهد داشت و این با حکیمانه بودن افعال الهی سازگاری ندارد.

پس ضروری است که روزی فرا رسد تا در آن روز هدایت الهی در سراسر جهان، کران تا کران، استقرار یابد و همه مردم در پرتو دین و مکتب واحد، هدف و غایت واحد، و نیز با رهبری یگانه، به تعالی و تکامل مطلوب نایل آیند.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتَدُلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلَهُ.»<sup>۲</sup>



۱. حدید/۲۵.

۲. دعای افتتاح.

بدیهی است اگر عمر تاریخ بشر